

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال چهارم، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۹۰

صفحات: ۴۳-۷۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۶؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۶/۱۱

## شبکه‌ای شدن مدنی در فضای سایبر و تاثیر آن بر جنبش‌های نوین اجتماعی در خاورمیانه

دکتر مهدی خلفخانی\* / سمیه قربانپور\*\*

### چکیده

نوشتار حاضر با توجه به نقش گسترده اینترنت و فضای سایبر در تحولات سیاسی به بررسی شیوه‌ها و چگونگی بهره‌برداری از قابلیت‌های فضای سایبر برای پیشبرد جنبش‌های اجتماعی در برخی از کشورهای خاورمیانه پرداخته است. به عبارتی مقاله در این راستا تدوین شده است که نشان دهد چگونه فضای سایبر و قابلیت‌های فن‌آورانه آن به وسیله فعالان اجتماعی برای پیشبرد اهداف اساسی جنبش‌ها و برای تامین اهداف شان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این تحقیق اینکه چگونه ساختارهای فرصت ایجاد شده در فضای سایبر به شبکه‌ای شدن مدنی جنبش‌های اجتماعی کمک خواهد نمود؟ و نیز اینکه ساختارهای فرصت ایجاد شده در نتیجه فرصت‌های دیجیتالی، چگونه می‌تواند منجر به ایجاد حوزه عمومی جدیدی برای راهبری جنبش‌های اجتماعی دیجیتالی گردند؟ اصلی ترین سوالاتی است که نوشتار حاضر به آنها پاسخ داده است. داده‌های اساسی این تحقیق با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری و به شیوه جامعه‌شناسی سیاسی و تاریخی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

### کلید واژه‌ها

خاورمیانه، فضای سایبر، جنبش‌های اجتماعی، دموکراسی، شبکه‌ای شدن مدنی.

\* عضو هیات علمی و استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار. mkhalafkhani@iau-garmsar.ac.ir

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار

## مقدمه

در جریان سال های اخیر خاورمیانه شاهد تحولات گسترده سیاسی و اجتماعی بوده است. تحولاتی که از تونس آغاز و با مصر ادامه یافت و در نهایت قسمت اعظمی از منطقه خاورمیانه و کشورهای خلیج فارس را در بر گرفت. این تحولات به گونه بسیار برجسته‌ای، خاورمیانه و کشورهای آن را در کانون توجه افکار عمومی و رسانه‌ای دنیا قرار داده است. چرا منطقه خاورمیانه شاهد چنین تحولات و درگیری‌های باید باشد؟ شاید بتوان در پاسخ به این موضوع به مجموعه‌ای از دلایل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اشاره نمود. از میان مهمترین عوامل تاثیرگذار در مسائل به پیش آمده می‌توان به فضای سیاسی و ساختارهای سیاسی این منطقه اشاره نمود. بررسی کوتاهی نشان می‌دهد که قسمت عمده‌ای از نظام‌های سیاسی منطقه را رژیم‌های سیاسی با ساختار عشیره‌ای و نیمه عشیره‌ای و نیمه مدرن تشکیل می‌دهند. اقتصاد اکثر این مناطق تک محصولی و قابل توضیح مبتنی بر رویکرد دولت‌های تحصیل‌دار هستند. در زمینه توسعه سیاسی، کشورها این منطقه در زمره کشورهای هستند که بر خلاف تمامی مناطق دنیا گذرهای مردم سالارانه را آغاز نکرده‌اند و یا اگر گام‌هایی هم برداشته باشند بسیار کند و بطئی بوده و در مرحله جنینی دموکراتیزه شدن هستند. به عبارتی در جغرافیای دموکراسی شدن، منطقه خاورمیانه و به‌ویژه بخش‌های عرب نشین آن از مناطق غیردموکراتیک دنیا محسوب می‌گردد. شاید بتوان با قطعیت بیشتری این کشورها را در زمره کشورهای با ساختارهای سیاسی اقتدارگرا در وضعیت سیاه محسوب نمود.

به هر صورت آنچه جالب است این است که حرکت‌های اجتماعی اگر چه در یک کشور کوچک آغاز شد به‌صورت برق آسایی کل منطقه را در بر گرفت و هنوز شعله‌های آن خاموش نشده است. در اینکه از لحاظ تبیینی چه عوامل باعث گسترش جنبش‌های اجتماعی در این منطقه شده است می‌توان به دلایل بسیار زیادی اشاره نمود. این موضوع بر مبنای مجموعه دلایل متعدد و بر مبنای سطوح تحلیل بین‌المللی و ملی و منطقه‌ای قابل تحلیل است. در سطح تحلیل‌های ملی تصویر مبهمی از توسعه سیاسی در این کشورها وجود دارد. عدم مشارکت تمامی نیروهای اجتماعی و سیاسی در زندگی سیاسی، قابلیت‌های نظام‌های سیاسی این کشورها را برای پیش‌بینی تحولات سیاسی از بین برده است. از سوی دیگر انسداد سیاسی گسترده در سیستم باعث غیر شفاف و نامرعی شدن فعالیت جریانات سیاسی در این کشورها شده است و این موضوع دست به‌دست هم داده که رژیم‌های سیاسی این مناطق نتوانند تصویر

و درک درست از تحولات زیرینی سیاست و اجتماع داشته باشند. به عبارت دیگر در فضای سیاسی بسته، قابلیت تحلیل تحولات سیاسی از نظام‌ها گرفته می‌شود. این موضوع منجر به ناتوانی سیستم‌ها در درک تغییرات رخ داده شده در این کشورها گردیده است و از این روی سیستم این کشورها با فقدان ستاده‌های جدید و خط و مشی‌های نوین برای پاسخ به خواست عمومی مواجه شده‌اند.

به دلایل متعددی شواهد حاکی است که در این کشورها ارزش‌های جدید در داخل توسعه یافته‌اند که با ارزش‌های بنیادینی که نظام‌های سیاسی مروج آن بوده‌اند در تعارض قرار گرفته‌اند. رشد این ارزش‌ها محصول افزایش دانش، آموزش تبادلات بین‌المللی، توریسم و غیر بوده است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد ارزش‌های یونیورسال زیادی وجود دارند که به تبع تحولات فن‌آورانه، تبادلات علمی، آموزشی و توریستی به مجموع ارزش‌های متعارض این کشورها اضافه شده است. به گونه‌ای که ارزش‌های و اراده با نظام‌های فرهنگی هژمون این کشورها در تعارض جدی و آشکار قرار گرفته است. مهمتر ارزش‌های فرهنگی این دولت‌ها به مرور زمان هم عرض رشد آگاهی اجتماعی توسعه نیافته است و این نظام‌ها به دلیل آفت منسوخ بودن ارزش‌های فرهنگی در مرحله فروپاشی قرار گرفته‌اند.

مهم تر اینکه ساختار سیاسی و اجتماعی در این کشورها منجر به طرد گسترده بخش اعظمی از شهروندان در این کشورها به دلیل متغیرهای زمینه‌ای نظیر ثروت، عشیره، درآمد، مذهب و غیره شده است. همین نیروهای در حاشیه قرار داده شده که کم هم نیستند به سیاه لشکرهای جنبش‌های سیاسی این کشورها تبدیل شده‌اند.

به هر صورت این تحقیق مشخصا به دنبال بررسی علل ایجاد جنبش‌های اجتماعی در این منطقه نیست. آنچه مورد تمرکز این مقاله است نقش فن‌آوری‌های جدید در جنبش‌های اجتماعی و شیوه‌های بکارگیری آنها در پیشبرد جنبش‌ها و فرصت‌های ایجاد شده برای فعالین جنبش‌ها و دولت‌ها است.

با توجه به این موضوع نگارندگان مدعی هستند که جنبش‌های اجتماعی در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته به دلیل برداشت و تصویر متفاوت که در این کشورها از جنبش‌ها وجود دارد با چالش‌های جدی مواجه هستند. با این حال به نظر می‌آید که فرصت‌های ساختاری که در نتیجه‌ای از انقلابات فن‌آورانه ایجاد شده‌اند باعث افزایش قابلیت‌های شبکه‌ای شدن مدنی در سطح دنیالی دیجیتال و شبکه شده است. به عبارتی دیگر همانگونه که مارک

گرانوتر<sup>۱</sup> در کتاب «شبکه‌های سیاسی» توضیح داده است، فرصت برای مبادله اطلاعات ضمن توانمندسازی کارگزاران برای دسترسی به داده‌ها و فرصت‌ها، تهدیدات و موقعیت‌ها می‌تواند در فرایند انتشار جنبش‌های اجتماعی موثر باشد (Granovetter, ۱۹۹۰).

مهمترین موضوع قابل طرح در مورد این فضا و وب لاگ‌ها، تاثیرات و نفوذهای وب لاگ‌های فعالان داخلی در وب لاگ‌های خارجی و رسانه‌های خارجی به صورت مستقیم و غیرمستقیم است. مارگارت کئک<sup>۲</sup> عالم سیاسی از دانشگاه جان هاپکینز و کاترین سیکینک<sup>۳</sup> از دانشگاه مینی سوتا معتقدند که فعالان سیاسی در کشورهایی که نمی‌توانند شرایط کشورهايشان را تغییر دهند می‌تواند با طرح موضوع در شبکه‌های فراملی از قدرت حامیان برای علنی‌سازی سوء استفاده‌های حکومت‌ها و لابی با حکومت‌ها استفاده نمایند. آنها از این موضوع به‌عنوان تاثیرات بومرنگ<sup>۴</sup> یا تاثیرات پس زنی که واژه روانشناختی به معنی عملی که عکس‌العمل آن به خود فاعل بر می‌گردد نام می‌برند. به این دلیل که سرکوب در خانه می‌تواند منجر به فشارهای بین‌المللی علیه رژیم‌ها در خارج شود. وب‌لاگ‌ها بالقوه این توان را داشته‌اند که نقش مهمی را در ایجاد شبکه‌های فراملی این چنینی فراهم نمایند.

با توجه به مقدمه فوق‌الذکر سوالات تحقیق حاضر این است که:

- چگونه ساختارهای فرصت ایجاد شده در فضای سایبر به شبکه‌ای شدن مدنی جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه کمک نموده است؟
- ساختارهای فرصت ایجاد شده در نتیجه فرصت‌های دیجیتالی، چگونه در موفقیت جنبش‌های اجتماعی خاورمیانه نقش داشته است؟

با توجه به سوال فوق، هدف مقاله بررسی ساختارهای فرصت برای شبکه‌ای شدن مدنی در فضای سایبر است.

### گفتار دوم: ادبیات و مبانی نظری تحقیق

در ارتباط با جنبش‌های اجتماعی دیدگاه‌های نظری زیادی مطرح گردیده است. در این مقاله با توجه به سوالات تحقیق به پاسخی نظریه‌های پیشینی مطرح شده که شامل نظریه

۱- Mark Granovetter

۲- Margaret Keck

۳- Kathryn Sikkink

۴- Boomerang Effect

ساختار فرصت سیاسی و نظریه بسیج منابع هستند اشاره می‌نماییم و سپس به شرح قضایای نظری ملهم از آن‌ها پرداخته و مدل نظری خود را ارائه می‌نماییم.

### الف) نظریه بسیج منابع

رویکرد بسیج منابع را می‌توان زیر مجموعه‌ای از نظریه گسترده‌تر انتخاب عقلانی به شمار آورد. ویژگی اساسی این رویکرد نظری توجه و تاکید آن بر عقلانی بودن رفتار کنشگران اجتماعی است. مطابق این برداشت که منبعث از دیدگاه‌های فایده‌گرایانه مطرح در سنت فکری لیبرالسیسم می‌باشد، کنشگران اجتماعی همواره مشغول بررسی عواقب و نتایج کنش خود و محاسبه سود و زیان احتمالی ناشی از دست‌زدن به آن کنش می‌باشند. بدین ترتیب، صاحب نظران این رویکرد برخلاف صاحب نظران مکتب کارکردگرایی، جنبش‌های اجتماعی را به هیچ وجه رفتارهایی انعکاسی و کنشگرانی غیرعقلانی به حساب نمی‌آورند. همچنین مطابق این دیدگاه دیگر نمی‌توان تمایز چندانی میان سیاست نهادینه از قبیل رقابت‌های حزبی و جنبش‌های اجتماعی قایل شد. بدین معنا که جنبش اجتماعی تداوم اشکال متعارف کنش سیاسی فرض می‌شود که بازیگران درگیر آنها به شیوه‌ای منطقی به دنبال کسب منابع خویش هستند. بر اساس این دیدگاه، جنبش‌های اجتماعی بسیجی هدفمند است که در زمان موجود بودن منابع لازم برای آن اعم از منابع مادی و نمادین، امکان تحقق می‌یابد. جنبش‌های اجتماعی بدون منابع قابل توجه شامل پول، نیروی انسانی، تسهیلات اداری، دفتری، تجهیزات ارتباطاتی، دسترسی به رسانه‌های گروهی و یک تصویر مردمی مثبت، نمی‌توانند به توفیق برسند و حتی در سطحی جدی شکل بگیرند. ظهور افول جنبش‌ها وابسته به توان آنها برای جذب منابع و بسیج کردن افراد و شکل دادن به ائتلاف است (Mccionnis and plummer ۱۹۹۷:۴۵۷ به نقل از مشیرزاده ۱۳۸۱:۱۴۳).

در میان اندیشمندان سیاسی، کوهن (۱۹۸۵) نظریات موجود در رویکرد بسیج منابع را به چند گرایش عمده تقسیم کرد که از منطبق به‌شدت فردگرا و منفعت محور رویکردهای کنشگر عقلانی ناب از قبیل رویکرد اولسون گرفته تا رویکرد سازمانی مک کارتی، زالد و مدل تعارض سیاسی تیلی، گمسون و تارو را در بر می‌گیرد (Choen, ۱۹۸۵:۶۷۹). سهم عمده اولسون در نظریه بسیج منابع، طرح منطق کنش جمعی با توجه به مساله سواری مجانی است. این مساله از دو امر متناقض نما حاصل می‌شود:

اول اینکه کنشگران همواره به دنبال پیشینه کردن منابع خود از طریق کنش‌هایشان هستند. دیگر اینکه شرکت کردن در کنش جمعی نمی‌تواند به منظور دستیابی به اهداف جمعی صورت گیرد. به بیان دیگر، کنش جمعی در شرایطی صورت می‌پذیرد که برای هر یک از مشارکت‌کنندگان به صرفه باشد که بدون شرکت در کنش جمعی و متحمل شدن هزینه‌ها و مخاطرات احتمالی تنها از منافع حاصل از آن که کالایی عمومی بهره‌مند شوند. اما از آنجا که کنش‌های جمعی واقعا رخ می‌دهند، این سوال در چارچوب نظریه بسیج منابع مطرح می‌شود که در چه مواقعی منابع بالقوه شرکت در جنبش از هزینه‌های احتمالی شرکت در کنش اجتماعی را منطقی می‌سازد؟

در نظریات این رویکرد، پاسخ‌های مختلفی به این سوال داده می‌شود. نظریه پردازان گونه سازمانی و نظریه بسیج منابع، شرط وقوع جنبش را وجود سازمان جنبش اجتماعی و موفقیت آن در جذب هوادار، ارائه برنامه، ساختن زیر ساخت‌های لازم برای جنبش و ایجاد همبستگی مشترک در بین اعضا می‌بینند. منظور این نظریه پردازان از سازمان جنبش اجتماعی، سازمانی پیچیده یا رسمی‌است که اهدافش را با اولویت‌های یک جنبش اجتماعی یگانه دانسته و می‌کوشد تا آنها را تحقق بخشد. موفقیت جنبش‌های اجتماعی در بسیج، علاوه بر شرط موجود بودن تنش‌های اجتماعی است. همچنین بسته به شیوه‌ای است که از طریق آن جنبش‌ها قادرند تا نارضایتی‌ها را سامان داده، هزینه‌های کنش را کاهش داده از شبکه‌های از پیش موجود بهره‌برند و در میان اعضا انگیزه ایجاد و به اجماع دست یابند (Della Porta & Diani, ۱۹۹۸:۸).

همچنین مک کارتی و زالد، تحت تاثیر علوم اقتصاد و مدیریت، مفاهیمی از قبیل صنعت جنبش اجتماعی و بخش جنبش اجتماعی را وارد ادبیات حوزه جنبش‌های اجتماعی کردند. صنعت جنبش‌های اجتماعی در برگیرنده همه سازمان‌های جنبش اجتماعی است که هدفشان نیل به وسیع‌ترین اولویت‌های یک جنبش اجتماعی است (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۱۴۵).

بدین ترتیب سطح تحلیل و نقطه عزیمت زالد و مک کارتی سازمان جنبش اجتماعی است و نه فرد. آنها می‌کوشند تا موفقیت یا عدم موفقیت جنبش‌های اجتماعی را با عنایت به متغیرهای سازمانی آنها توجیه کنند. از یکسو فهم فعالیت جنبش‌های اجتماعی وابسته به بررسی چگونگی تجمع منابع است و از سوی دیگر، تجمع منابع مستلزم حداقلی از سازماندهی است. در نتیجه در بررسی یک جنبش اجتماعی باید به سازمان جنبش اجتماعی توجه ویژه‌ای را مبذول کرد.

دسته دیگری از نظریه‌ها متعلق به رهیافت بسیج منابع است که کوهن آن‌ها را گونه‌تعارض سیاسی می‌نامد. این نظریه‌ها تاکید خود را بر بعد سیاسی کنش جمعی و تعارضاتی که منجر به شکل‌گیری آنها می‌شود، متمرکز کرده‌اند. این گروه از نظریه پردازان به بررسی این مطلب می‌پردازند که اصولاً جنبش‌های اجتماعی حول چه نوع تعارضاتی شکل می‌گیرند و تعارضات مختلف چگونه می‌توانند بر ماهیت جنبش‌هایی که در نتیجه آنها شکل می‌گیرند تاثیرگذار باشند. برای مثال، اوبرشال معتقد است که تعارضات اجتماعی اگر علیه نمادها و ارزش‌ها باشند شدیدتر و تنظیم آنها دشوارتر است زیرا حل این نوع تعارضات نمی‌تواند به نفع دو طرف تمام شود (همان، ۱۴۵).

در کل، ویژگی عمده نظریات مطرح در سنت فکری بسیج منابع، تکیه بر ابعاد عقلانی جنبش‌های اجتماعی و توجه به اهمیت انتخاب‌های آگاهانه و استراتژیکی است که از سوی رهبران و نیز شرکت‌کنندگان در جنبش‌ها در مورد خصایص کنش‌های جمعی آنان صورت می‌پذیرد. جنبش‌های اجتماعی از این منظر، کنش‌های منطقی و منفعت محور هستند که غالباً از سوی افرادی دنبال می‌شوند که نتوانسته‌اند بطور مستقیم خود را وارد فرایند تاثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی کنند. بدین معنا، جنبش‌های اجتماعی صورتی دیگر از کنش‌های متداول سیاسی هستند.

از این فرضیه‌های کلی در زمینه نظریه بسیج منابع، می‌توان نتایج زیر را بدست آورد:

در فرصت‌های ساختاری زیر، افراد در فعالیت‌های اعتراض‌آمیز مربوط به جنبش‌های سیاسی شرکت کنند:

- ۱- نهادهای دولتی نیروی سرکوب و کنترل اندکی را به کار می‌گیرند، یا اینکه گاهی به سرکوب شدید می‌پردازند و گاهی نیز از شدت سرکوب می‌کاهند؛
- ۲- اعتراض کنندگان از همبستگی فوق‌العاده‌ای برخوردار شوند؛
- ۳- جنبش‌های معترض تماس موافقی را با اعضای طبقات مختلف ایجاد که مشارکت افراد را در فعالیت‌های اعتراض‌آمیز تشویق کنند؛
- ۴- جنبش‌های معترض تماس موثری را با اعضای طبقات مختلف اقتصادی، گروه‌های قومی و سازمان‌های مذهبی ایجاد نمایند؛
- ۵- جنبش معترض از خودمختاری قابل ملاحظه در برابر کنترل دولتی برخوردار شوند؛
- ۶- شرکت کنندگان در اعتراض، به یکدیگر وابسته و پیوند خورند؛

در شرایط ساختاری بازدارنده زیر، احتمال شرکت افراد در جنبش‌های اعتراض آمیز کاهش می‌یابد:

- ۱- نیروهای پلیسی، امنیتی و ارتش، بی‌وقفه و به شدت به سرکوب ادامه دهند؛
- ۲- گروه‌های ضد رژیم از وحدت و انسجام لازم برخوردار نباشند. بیشتر مردم به گروه‌های نامتجانسی تعلق داشته باشند که مشارکت در اعتراض‌های ضددولتی را ترغیب نمی‌کنند. از لحاظ جغرافیایی نیز پراکنده باشند و تماس‌های گسترده‌ای با گروه‌های قومی، مذهبی، اقتصادی و به‌ویژه افراد دارای مناصب بالا داشته باشند؛
- ۳- نهادهای مقتدر دولتی، رفتار ناراضیان را زیر نظر داشته و ناراضیان برای تحقق اهداف شخصی خود، به نخبگان حاکم متوسل شوند، نه به جنبش معترض؛
- ۴- دولت حاکم از نهادهای خارجی کمک دریافت کند. هیچ جنگ خارجی یا بحران اقتصادی خارجی، قدرت حکومت را تضعیف نکند و جنبش‌های ضد دولتی از کمک‌های خارجی ناچیزی برخوردارند.

#### ب) نظریه ساختار فرصت سیاسی

علمای علوم اجتماعی و به‌ویژه تحلیل‌گران ساختاری کانون توجه خود را به فرایند سیاست و به قدرت دولت‌ها، احزاب سیاسی و گروه‌های سیاسی، اجتماعی و داخلی و نهادهای فرا ملی معطوف می‌دارند. از دید آن‌ها اقدام سیاسی کارساز از سوی معترضان به شرایط ساختاری مناسب بستگی دارد. به اعتقاد نظریه‌پردازان بسیج منابع اگر فرصت‌های ساختاری بر محدودیت‌های ساختاری برتری داشته باشد مردم در جنبش مخالفی که هدف آن دگرگونی وضعیت سیاسی موجود است شرکت خواهند نمود.

بسیج سیاسی علاوه بر دسترسی به منابع (اطلاعات، پول و مهارت‌های سازمانی-ارتباطی) به فرصت‌های مناسب برای استفاده از این منابع نیز نیاز دارد.

فرصت ساختاری بیانگر روابط قدرت میان حکومت، گروه‌های اجتماعی و نهادهای خارجی است. اگر چنانکه میزان سرکوب مردم از سوی حکومت محدود باشد و گروه‌های اجتماعی بتوانند به همبستگی فوق‌العاده و رهایی از کنترل حکومت دست یابند و اگر نهادها و سازمان‌های خارجی با اعطای منابع به بخش مخالف به جای اعطای منابع به دولت موجبات



تضعیف حکومت را فراهم آورند، معترضان سیاسی این فرصت را خواهند داشت تا اقدام سیاسی علیه حکومت را سازماندهی نمایند.

در مقابل، محدودیت‌های ساختاری از مشارکت در سازماندهی اعتراض جلوگیری می‌کند. سرکوب اعتراض کنندگان از سوی حکومت، سبب می‌شود تا فعالان بالقوه از مشارکت خوداری کنند. از منظر نظریه فرصت‌های سیاسی برای بررسی و تبیین جنبش‌های اعتراضی باید به سه پرسش کلی پاسخ داده شود. این پرسش‌ها عبارتند از:

۱- چه انگیزه‌هایی باعث می‌شود تا مردم به اعتراضات مسالمت آمیز، شورش‌ها و جنبش‌های اعتراضی و انقلابی بپیوندند؟

۲- چرا جنبش‌های اعتراضی برای نیل به اهداف خود تاکتیک‌های خاصی را بر می‌گزینند؟ به عبارت دیگر چه عواملی بر اتخاذ یک یا چند تاکتیک خاص مانند: خشونت، رفتار مسالمت آمیز، اعتراض علنی، تشکیل ائتلاف با گروه‌های دیگر و... از طرف جنبش‌های اعتراضی تاثیرگذار هستند؟

۳- جنبش‌های اعتراضی چگونه اولویت‌های خود را تشخیص می‌دهند و تحت چه شرایطی در دستیابی به اهداف سیاسی خود موفق می‌شوند؟

به‌طور کلی می‌توان گفت که ارزش‌های فرهنگی، ساختارهای اجتماعی سیاسی و رفتارهای فردی - خاستگاه، فعالیت‌ها و نتایج اعتراض‌ها را شکل می‌دهند که به شرح آنها می‌پردازیم.

### ج) ارزش‌های فرهنگی

ارزش‌های فرهنگی تعمیم یافته در هر جامعه عامل فرمانبرداری و فرمانروایی سیاسی به شمار می‌روند. مقام‌های دولتی برای حفظ قدرت خود و ثبات نظام سیاسی متن‌های مختلفی مانند ایدئولوژی‌ها، دکترین‌های مذهبی، اسطوره‌های ملی گرایانه و تصمیم‌های قانونی را به اعضای جامعه منتقل می‌کنند. هر نظام سیاسی هنگامی از مشروعیت فراگیر برخوردار می‌شود که نهادهای موجود در جامعه ارزش‌های غالب مورد نظر نظام را منتقل کنند و افراد نیز این ارزش‌ها را درک و قبول نمایند و اصولی را که مشروعیت ایجاد می‌کنند را با رفتار خود تلفیق نمایند. چالش‌های موفقیت آمیز علیه حکومت موجود زمانی به وقوع می‌پیوندد که رهبران مخالف، اصول مسلط مشروعیت سیاسی را دگرگون سازند. ارزش‌های فرهنگی از طریق وسایل ارتباط جمعی و سازمان‌های مختلف حکومتی و غیرحکومتی تبلیغ می‌شوند. جنبش‌های

اعتراضی با استفاده از این ابزارها و با پررنگ نمودن برخی از این ارزش‌ها و تبلیغ آرمان‌ها و نارضایتی‌های مشترک، قدرت سیاسی جنبش را افزایش می‌دهند و به‌ویژه فرصت‌های بیشتری برای قرارداد یک مشکل اساسی در دستور کار سیاسی به‌دست می‌دهند. گروه‌های فرمانبردار با پذیرش برداشت‌های جدید از واقعیت‌های سیاسی و فرهنگی، متقاعد می‌شوند که می‌توانند از طریق اقدام جمعی سازمان یافته وضعیت موجود را دگرگون کنند. اما علاوه بر این آنچه از تصمیم‌گیری افراد جهت شرکت در یک جنبش اعتراضی ایجاد انگیزه می‌کند امکان دستیابی به هدف جنبش است.

بر اساس نظریه‌گزینه عقلایی (گزینه معقول) که جرج هومنز آن را ارایه نموده است، دو انگیزه مهم در انتخاب راه افراد برای پیوستن به جنبش‌های اعتراضی دخیل است:

- اول، ارزش‌های مربوط به اهداف یک اقدام خاص (نتایج مورد نظر) در جنبش؛

- دوم، میزان دستیابی موفقیت آمیز به آن اهداف.

ارزش‌های فرهنگی، انگیزه‌هایی را که به علاقه‌مندی افراد به مشارکت در اعتراض‌های سیاسی یا انفعال سیاسی آنان منجر می‌شود تحت تاثیر قرار می‌دهند و شرایط مناسب یا بازدارنده ساختارهای سیاسی اجتماعی، بر پیش‌بینی و انتظار عمومی درباره موفقیت رفتار مشارکت تاثیر می‌گذارند و در نهایت در انتخاب میان اقدامات مختلف، یک شخص به آن اقدامی دست می‌زند که دارای ارزش بیشتری باشد و در ضمن امکان دستیابی به نتایج موفقیت آمیز آن اقدام بیشتر باشد.

#### د) ساختارهای اجتماعی سیاسی

اقدام سیاسی کارساز از سوی معترضان به شرایط ساختاری مناسب بستگی دارد. اگر فرصت‌های ساختاری بر محدودیت‌های ساختاری برتری داشته باشند مردم در جنبش اعتراضی که هدف آن دگرگونی وضعیت موجود سیاسی است شرکت خواهند کرد. فرصت‌های ساختاری بیانگر روابط قدرت میان حکومت، گروه‌های اجتماعی و نهادهای خارجی است. اگر چنانچه میزان سرکوب مردم از سوی حکومت محدود باشد و گروه‌های اجتماعی بتوانند به همبستگی فوق‌العاده و رهایی از کنترل حکومت دست یابند و اگر نهادها و سازمان‌های خارجی با اعطای منابع خویش به جنبش اعتراضی (بجای اعطای منابع به دولت) موجبات ضعف حکومت را فراهم نمایند، اعتراض‌کنندگان این فرصت را خواهند یافت تا اقدام سیاسی علیه حکومت را

سازماندهی نمایند. در مقابل محدودیت‌های ساختاری از مشارکت مردم در اعتراضات سازمان یافته جلوگیری می‌کند. این محدودیت‌های ساختاری عبارتند از:

۱- جنبش‌های معترض از شبکه سازمانی مستقل که بتواند پیروی اعضای جنبش را از موازین حاکم بر جنبش تضمین کند، بی‌بهره باشند؛

۲- نهادهای مقتدر دولتی فعالیت گروه‌های ناراضی را تحت نظر داشته باشد؛

۳- اختلافات گروهی و داخلی میان معترضان، موجب متلاشی شدن و پراکندگی اعضای جنبش شود؛

۴- نهادهای خارجی از جمله دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و غیره امکانات اندکی در اختیار جنبش اعتراضی قرار دهند و در مقابل ارتباط بیشتری با دولت حاکم داشته باشند.

میزان تفاوت بسیج سیاسی در میان گروه‌های اجتماعی هر جمعیت نیز عمدتاً ناشی از فرصت‌های ساختاری است که از طریق حقوقی، سیاسی و سازمانی در اختیار هر یک از شهروندان قرار می‌گیرد. همچنین شرایط ساختاری نه تنها در تعیین فرصت فعالیت‌های سیاسی موثر هستند بلکه توانایی رهبران را نیز در شناخت اهداف و راهکارها محدود می‌سازند.

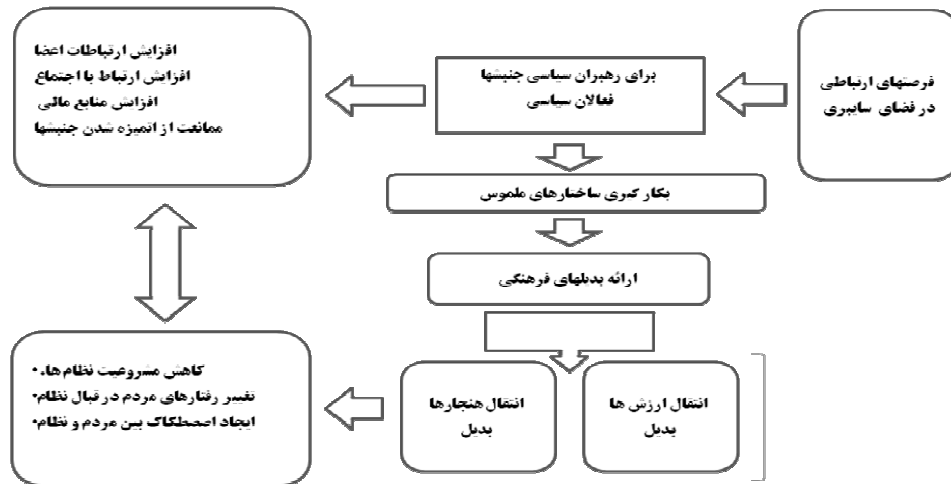
## و) رفتارهای فردی

در نهادها یا جنبش‌های اعتراضی افراد خاصی تصمیم‌گیری می‌کنند. مشارکت‌کنندگان نیز به‌عنوان بازیگران فعال صحنه سیاسی، فرهنگ و ساختارها را شکل می‌دهند. در صورتی که آنان مناصب حکومتی را اشغال کنند باورهای فرهنگی را تفسیر، موسسات را اداره، خط مشی‌ها را تدوین و تصمیمات را اتخاذ می‌کنند. در صورتی که این افراد به‌عنوان معترضان خارج از نظام حاکم عمل کنند، خواستار تغییر خط مشی نظام می‌شوند و می‌کوشند تا برای هدفشان جلب حمایت کنند، ناراضیان را بسیج نمایند، فعالیت‌های اشخاصی را که از انزوا خارج شده‌اند هماهنگ سازند و تلاش می‌کنند تا آن چنان بر مقاومت حاکمان غلبه کنند تا شاهد تبدیل شدن اولویت‌های سیاسی خودشان به برنامه‌های الزامی حکومت باشند. به این ترتیب نقش رهبران سیاسی در تعیین اولویت‌های یک جنبش پررنگ تر از بدنه جنبش است زیرا رهبران سیاسی ارزش‌های فرهنگی را تفسیر و تعبیر می‌کنند و ساختارهای سیاسی اجتماعی را به کار می‌گیرند تا این تفاسیر به‌عنوان ارزش‌های غالب در جامعه پذیرفته شوند و به کمک آنها، اولویت‌های سیاسی تعیین و به حکومت تحمیل گردند. به گفته افلاطون «رهبر سیاسی نقش

ناخدای کشتی را بازی می‌کند» از این رو وجود رهبری کارآمد به معنای دستیابی موفقیت آمیز به اهداف جمعی است. البته اعمال قدرت از سوی رهبران سیاسی در مواردی نیز منجر به وقوع پیامدهایی متفاوت از اهداف مورد نظر جنبش شده است. قضایای نظری استخراج شده از نظریات استفاده شده:

- ارزش‌های فرهنگی در هر جامعه عامل فرمانبرداری و فرمانروایی سیاسی هستند.
- نظام‌های سیاسی برای حفظ خود و ثبات نظام متون مختلف ایدئولوژیکی، دکترین‌های مذهبی، اسطوره‌های ملی گرایانه و تصمیمات قانونی را به اعضای جامعه منتقل می‌نمایند.
- مشروعیت فراگیر نظام سیاسی به این ارتباط دارد که نهادهای موجود در جامعه ارزش‌های غالب مورد نظر نظام را منتقل نمایند.
- مشروعیت فراگیر نظام سیاسی به این بستگی دارد که ارزش‌های انتقالی به مردم توسط شهروندان درک و مورد قبول قرار گیرد.
- شهروندان وقتی اصولی را که مشروعیت ساز است با رفتارهای خود تلفیق می‌کنند، مشروعیت نظام را می‌پذیرند.
- مشروعیت نظام به کارکرد مناسب وسایل ارتباطی جمعی برای تبلیغ نظام سیاسی بستگی دارد.
- جنبش‌های اعتراضی که بتواند ارزش‌ها، آرمان‌ها و نارضایتی مشترک خود را با وسایل ارتباطی جمعی پر رنگ نمایند، فرصت بیشتری برای قرار دادن یک مشکل در دستور کار سیاسی پیدا می‌نمایند.
- ارزش‌های فرهنگی، انگیزه‌های اساسی مشارکت در اعتراضات سیاسی و یا انفعال سیاسی را فراهم می‌آورد.
- ارزش‌های فرهنگی ایجاد شده توسط جنبش‌ها، ساختارهای فرصت مناسبی را برای مشارکت در جنبش و عدم مشارکت یا نظام و یا پایین آوردن مشارکت فراهم می‌آورد.
- میزان بسیج سیاسی به فرصت‌های ساختاری ایجاد شده از طریق تدابیر حقوقی، سیاسی و سازمانی در اختیار شهروندان بستگی دارد.
- هنگامی که بین هنجارهای فرهنگی پذیرفته شده در جامعه و عملکرد حکومت‌ها اصطحکاک ایجاد شود نظام سیاسی مشروعیت خود را از دست می‌دهد.
- تاکتیک اعتراضی جنبش‌های سیاسی و اجتماعی را شرایط ساختاری (تدابیر حقوقی مناسب، عوامل سیاسی و امکانات نهادی و سازمانی) تعیین می‌نماید.

مدل نظری تحقیق: فرصت‌های سایبری و جنبش‌های اجتماعی



به عبارتی مطابق مدل نظری این تحقیق، فرصت‌های ارتباطی در فضای سایبر برای رهبران سیاسی و فعالان جنبش‌های اجتماعی این فرصت را ایجاد می‌نماید که با استفاده از ساختارهای ملموس بدیل‌هایی فرهنگی مدنظر را ایجاد نمایند. این بدیل‌های فرهنگی موجب ایجاد اصطکاک بین مردم و نظام سیاسی می‌گردد. از سوی دیگر و در سطح دیگر نیز این امکان را فراهم می‌آورد که جنبش‌ها که در نتیجه اقدامات دولتی اتمیزه شده و با موانع ساختاری و عمل مواجه شده‌اند، فرصت‌های را برای ایجاد ارتباط با همدیگر و اجتماع و نیز تامین‌های منابع مالی فراهم آورند. در اینجا با توجه به چارچوب نظری ارائه شده، این فرضیه مطرح می‌شود که: فرصت‌های اطلاعاتی و ارتباطی منجر به فرصت‌های ساختاری جدیدی شده است که ضمن تسهیل شبکه‌ای شدن مدنی به شیوه سایبرنیتیکی امکان استفاده از ساختارهای ملموس و انتقال بدیل‌های فرهنگی را فراهم و این موضوع سبب موفقیت جنبش‌های اجتماعی شده است.

**گفتار سوم: تعریف مفاهیم**

**الف) تعریف جنبش‌های سیاسی**

در ارتباط با جنبش‌های اجتماعی تعاریف زیادی مطرح است که در زیر به برخی از این تعاریف اشاره می‌گردد:

- جنبش‌های اجتماعی به‌عنوان شکلی اساسی از عمل اجتماعی‌اند که از طریق اقدام جمعی شکایات، نگرانی‌ها درباره حقوق، رفاه، خوب بودن را از طریق گونه‌های از اقدام جمعی نظیر اعتراضات خیابانی، طرح دیدگاه‌ها و نگرانی‌ها به نمایش می‌گذارند (Snow, Soule & Kriesi, ۲۰۰۴: ۳).

- گی‌روشه جنبش‌های اجتماعی را سازمانی کاملاً شکل گرفته و مشخص می‌داند که به منظور دفاع یا گسترش و دستیابی به هدف‌های خاصی به گروه‌بندی و تشکیل اعضاء می‌پردازد و درصد بر می‌آید تا عناصری از جامعه را تغییر دهند یا آنها را حفظ کند (فرونزو، ۱۷:۱۳۸۱).

- آنتونی گیدنز جنبش‌های اجتماعی را کوششی برای پیشبرد منافع مشترک یا تامین هدفی مشترک، از طریق عمل و کنش جمعی خارج از حوزه نهادهای رسمی حکومتی تعریف می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۶۷۹).

- دوناتلا دلاپورتا جنبش‌های سیاسی را شبکه‌های غیررسمی مبتنی بر اعتقادات مشترک و همبستگی که از طریق استفاده مداوم از اشکال گوناگون اعتراض حول موضوعات منازعه آمیز بسیج می‌شوند، تعریف می‌کند (دوناتلا و دیانی، ۱۳۸۳).

#### ب) روش‌شناسی

روش جمع‌آوری داده‌ها و نیز تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده اسنادی است. به بیانی دقیق‌تر در این تحقیق قسمتی اعظم داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری و به شیوه جامعه‌شناختی محتوای درونی آنها مورد تحلیل قرار گرفته است.

#### گفتار چهارم: فضای وبلاگی و جنبش‌های اجتماعی در کشورهای خاورمیانه

همانگونه که در مقدمه مقاله ذکر شد خاورمیانه در سال‌ها و بخصوص ماه‌های اخیر شاهد تحولات گسترده اجتماعی و سیاسی بوده است. در رابطه با علل شکل‌گیری جنبش‌های همه‌گیر در این منطقه دیدگاه‌های زیادی مطرح گردیده است. یکی از این دیدگاه‌ها بر توسعه نیافتگی سیاسی این کشورها تاکید دارد. در این بخش با همین رویکرد، ابتدا تصویری از سیمای دموکراتیزه شدن در این منطقه ارائه می‌شود و در ادامه به اصل مساله و فرصت‌های سایبری در جنبش‌های اجتماعی منطقه تمرکز می‌گردد.

در کشورهای خاورمیانه و عربی سطح دموکراسی هر کشور نسبت به کشور دیگر شدیداً متفاوت است. اما همه این کشورهای دارای ساختار مشترکی اجتماعی و سیاسی هستند که

شبکه‌ای شدن مدنی در فضای سایبر و تاثیر آن بر جنبش‌های ...

منعکس‌کننده سطح دموکراسی این کشورها است. اکثریت این کشورها به نظر سلیب سارار<sup>۱</sup> دارای رژیم‌های توتالیتر و جوامع با ارزش‌های پاتریمونیال، دگم‌های مذهبی، افراط‌گرایی سیاسی و ایدولوژیک هستند.

مطابق پیمایش انجام شده از طرف بنیاد ابن خلدون می‌توان وضعیت دموکراسی این کشورها را از لحاظ دموکراسی بودن به‌صورت زیر نشان داد.

جدول ۱: وضعیت شاخص هر دموکراسی در کشورهای عربی در سال ۲۰۰۵

کشور	شاخص‌های آزاد													
	A	B	C	D	E	F	G	H	I	J	K	L	آزادی‌های مدنی	
الجزایر	1	2	1.5	2	0	0.5	0	1	1	9	50	5	6	5
بحرین	0	0	0	0	0	1	0	2	2	5	28	11	5	5
قطر	1	2	1	2	0	0.5	0	1	0.5	8	44	9	6	6
عمان	0	5	0	1	0	0	0	1	0	2.5	14	16	7	5
اردن	0	2	1.5	2	0	1.5	0.5	1	2	10.5	58	2	5	5
کویت	0	2	0	1	1	1	0	2	1.5	9	50	5	4	5
لبنان	1	2	1.5	1.5	0	1.5	0.5	1	0	10.5	58	2	6	5
لیبی	0	1	0	2	0	1	0	1	2	5	28	11	7	7
موریتانیا													6	5
یونان	0	2	1.5	2	1	1	0.5	1	2	11	61	1	5	5
عمان	0	1	0	0	0	1	0	1	2	5	28	11	6	5
قطر	0	0	0	0	0	1	0.5	2	1.5	5	28	11	6	6
عربستان	0	0	0	0	0	0	0	1	1.5	2.5	14	16	7	7
سودان	0	2	0	1.5	0	0	0.5	0	0.5	4.5	25	15	7	7
سوریه	1	2	1	2	0	1	0	1	0.5	8.5	47	7	7	7
یونان	1	2	0.5	2	0	1.5	0.5	1	1.5	10	56	4	6	5
امارات	1	0	0	0	0	1	0	2	2	6	33	10	6	6
یمن	1	2	1.5	2	0	1	0.5	0	0.5	8.5	47	7	5	5

(Moheb, ۲۰۰۷: ۲۶-۲۸)

راهنمای جدول شماره یک

A. ۰ = خیر، یک = غیر مسقیم و نسبتاً آزاد، دو = بله

۱- Salib Sarar

- B. = خیر، یک = غیر مسقیم و محدود، دو = بله
- C. = ممنوع یا وجود ندارد، یک = کنترل با تاییده های حکومتی، دو = آزاد
- D. = هیچ کس، یک = بعضی، دو = بله
- E. = آزاد نیست، یک = نسبتاً آزاد، دو = آزاد
- F. = خیر، یک = غیر مسقیم و نسبتاً آزاد، دو = بله
- G. = مشاهده نشده، یک = بعضاً مشاهده شده، دو = کاملاً مشاهده شده
- H. = توسعه انسانی پایین، یک = توسعه انسانی متوسط، دو = توسعه انسانی بالا
- I. = دخالت شدید حکومتی، یک = دخالت متوسط حکومتی، دو = دخالت حداقلی حکومتی

به رغم توسعه نیافتگی سیاسی گسترده در این کشورها در چند دهه گذشته، دولت‌های عربی با بحران‌های آنچنانی مواجه نبوده‌اند. گروه‌های اپوزیسیون از برگزاری میتینگ و تظاهرات به منظور ارتباط با مردم محروم بوده‌اند. از دید امر همزآوی [چنگال امنیتی، ساختار سوگیرانه‌ای را در نخبگان سیاسی ایجاد نموده که کارکرد آن حفظ وضع موجود بوده است (Moheb, ۲۰۰۷: ۱۵)] در بیشتر کشورهای عربی فعالیت‌های سیاسی احزاب محدود بوده و محدودیت‌های قانونی زیادی برای فعالیت اپوزیسیون در به چالش کشیدن نخبگان حاکم سیاسی وجود داشته است. چالش‌های جدی در این کشورها از سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۴ و از زمانی آغاز گردید که زمینه مناسبی برای دموکراسی شدن در برخی از این کشورها فراهم آمد و متعاقب آن امکان بیان دیدگاه‌ها، تشکیل انجمن و احزاب میسرگشت. اما چالش عمده حکومت‌های سیاسی این کشورها، این است که نتوانستند خود را با تغییرات و اصلاحات صورت گرفته هماهنگ نمایند. به عبارتی دیگر در این کشورها تغییرات و ابتکارات بسیار اندکی در زمینه ایجاد نهادهای دموکراتیک که بتواند حاکمیت قانون را برقرار و خواست عمومی را برای تغییر رژیم‌ها انجام دهد صورت گرفته است.

در خاورمیانه عربی، جنبش‌های معاصر عموماً در راستای دو محور اسلام خواهی و مردم سالاری بوده است. در این جنبش‌ها رسانه به بهترین صورت برای ایجاد چالش برای نظام‌های سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است. در بیشتر کشورهای خاورمیانه و عربستان سعودی، در سال‌های اخیر، حرکت گسترده در زمینه استفاده از اینترنت برای ایجاد گفتمان غیردولتی آغاز شده است. وبلاگ‌ها در فضای سایبری خاورمیانه نمونه‌ای از تأثیر بومرنگی در جهان در حال



توسعه هستند. در خاورمیانه وب‌لاگ‌ها ضمن اینکه امکان مناسبی برای گفتگو میان جوانان با بینش‌های عرفی و مذهبی فراهم می‌آورد، از جانب دیگر، اطلاعات زیادی را در اختیار روزنامه نگاران و فعالان سیاسی که با سانسور حکومتی مواجه شده بودند قرار داده است. از این روی فیلترینگ دولتی در خاورمیانه با موفقیت کمی مواجه بوده است.

این موضوع دلایل زیادی داشته است و مهمترین دلیل آن، بسته بودن فضای گفتمانی و انتقادی در این کشورها است. به عبارتی دیگر به دلیل محدودیت‌های زیاد موجود در جامعه عرب، تکنولوژی جدید ارتباطی به ابزاری برای مقاومت و مبارزه سیاسی تبدیل گردیده است. این موضوع سابقه بس طولانی در کشورهای عربی دارد. وعظی چون شیخ کیشک و یوسف ال قارآدآوی و شیخ فداله و عمر خالد مصری از جمله اولین مبارزان سیاسی در منطقه بوده‌اند که از ابزارهای جدید چون ویدئو و کاست برای مبارزات سیاسی استفاده نموده‌اند. برای نمونه پس از ممنوعیت اعمالی به عمر خالد، ۱۰۰۰۰ نفر از طرفداران او از طریق، اینترنت امضاهایی را در حمایت از او جمع‌آوری نمودند و در حال حاضر هم فعالان سیاسی عرب از اینترنت برای همه گیرسازی برنامه‌های سیاسی و بسیج نیروها استفاده نموده‌اند. برای نمونه در فوریه سال ۲۰۰۳ ائتلافی مرکب از فعالان مصری، عراقی و فلسطینی، میلیون‌ها ایمیل را به سازمان ملل، ایالات متحده و سفارت خانه‌های انگلیس در دنیا ارسال نمودند و نشان دادند که وب سایت‌ها و اینترنت به مهمترین بدیل انتقادی تبدیل شده‌اند (Bayat, ۲۰۰۳: ۱۶).

در سال‌های اخیر مباحث گسترده در سطح حکومتی، سازمان‌های غیردولتی و رسانه‌ها اسلام‌گرا و سکولار در ارتباط با لزوم ایجاد تغییرات آغاز شده است. این مباحث تاثیر گسترده در گفتمان عمومی ایجاد نموده است. در این زمینه به غیر از رسانه‌های دسته‌جمعی چون تلویزیون، اتاق‌های گفتگوی اینترنتی و وب‌لاگ‌ها در عربستان سعودی مباحث عمومی برای گفتگو در جامعه عربستان سعودی تزریق نموده‌اند (Yacoubian, ۲۰۰۵: ۳)

با توجه به نقشی که فضای اینترنت و سایبر برای ایجاد جنبش‌های دموکراتیک ایجاد نموده، تلاش‌های زیادی از طرف دولت‌های عربی برای محدود کردن اینترنت آغاز گردیده است. تقریباً بدون استثناء می‌توان گفت رسانه‌های دسته‌جمعی در کشورهای عربی در اختیار دولت هستند و بازگوکننده و مبلغ سیاست‌های دولت محسوب می‌گردد. دولت‌های عربی با توجه به اطلاعاتی که از پتانسیل اینترنت و وبلاگ‌ها سراغ دارند، سیاست گسترده‌ای را در زمینه مسدود کردن و کنترل اینترنت و وب‌لاگ‌ها آغاز نموده‌اند که از جمله این اقدامات می‌توان به

دستگیری وب لاگ نویس بحرینی به نام علی عبدالامام در ۲۵ فوریه سال ۲۰۰۵، مسدودسازی سایت‌های اینترنتی مرتبط با گروه‌های مخالف دولت از جمله شبکه عرب برای حقوق بشر در کشور بحرین اشاره نمود.

در مصر و در دولت حسنی مبارک، سایت‌های اخوان المسلمین فیلتر شد و دولت اقتدار گرایی رادیکالی را در زمینه اینترنت به نمایش گذارد که از جمله دستگیری سه وب لاگ نویس به دلیل انتقاد از دولت و حکومت حسنی مبارک بود. همچنین در این سال‌ها، دادگاه اجرایی دولت مبارک اعلام نموده بود که مقامات می‌توانند سایت‌های را که تهدیدی بر امنیت ملی هستند مسدود و به تعلیق درآورده و تعطیل نمایند.

در کشور عربستان سعودی دسترسی به برنامه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های اینترنتی به دلیل ترس دولت از انتقاد از خانواده سلطنتی مسدود و ممنوع شده‌است. اما توسعه تکنولوژی‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی نظیر ماهواره، اینترنت و وب‌لاگ‌ها بعد جدیدی به حیات سیاسی عربستان داده است.

ویژگی دولت عربستان سعودی و اپوزیسیون آن منجر به اهمیت بررسی جریان دموکراسی شدن در عربستان در عصر دیجیتال‌یسم گردیده است. جامعه و دولت عربستان از چند منظر با جوامع دیگر متفاوت بوده است. این به دلیل ویژگی دولت عربستان سعودی و اپوزیسیون آن است. جامعه عربستان جامعه سنتی و از سوی دیگر ترکیبی از سنت، مدرنیسم و پست مدرنیسم است.

ویژگی دولت عربستان این بوده است که معمولاً خود را به‌عنوان مرجع ایمان دینی در مواجهه با فرهنگ مهاجم غربی توصیف می‌کند. از سوی دیگر، دولت این کشور خود را به‌عنوان گروه اپوزیسیون معرفی می‌کند که تخصیص منابع را به‌منظور حفظ اماکن مقدس و مقاومت (به‌عنوان دولتی که قوانین اسلامی را به اجرا می‌گذارد) در برابر غرب، در دست دارد.

گروه‌های اپوزیسیون عربستان سعودی نیز متفاوت از گروه‌های اپوزیسیون دیگر کشورها هستند. این موضوع به دلیل محدودیت‌های اعمالی شدید در زمینه بیان دیدگاه‌ها و آراء سیاسی در این کشور و از سوی دیگر دسترسی بالای اپوزیسیون این کشور به منابع پولی، مالی و جریان جهانی اطلاعات است. از منظر اطلاعاتی، اپوزیسیون این کشور، اولین اپوزیسیون در خاورمیانه بوده که از تکنولوژی‌های جدید ارتباطی برای ارسال پیام‌های خود به پیروان و ایجاد جنبش‌های سیاسی استفاده نموده است.

در عربستان سعودی تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی ابزاری در اختیار گروه‌های اپوزیسیون و دولت برای ارسال اطلاعات در فضای مجازی فراهم آورده است. ماشین فاکس، پرینتر، تلفن‌های موبایل و نوارهای ویدئویی و کاست، فضای جدیدی را برای ارسال پیام به طرفداران ایجاد نموده که دارای ریسک پایینی بوده است. از سوی دیگر، چاپ مقالات و انتشار آن از طریق تکنولوژی‌های جدید در این کشور، گفتمان دو سوپه‌ای را توسعه داده و این موضوع باعث ایجاد دیالوگ محلی و جهانی برای عربستان و مخالفین و مبارزان عربستانی شده است.

برای درک مقاومت در فضای سایبر در عربستان به چند مورد از جنبش‌ها و فعالیت‌های سیاسی در این کشور و تاثیرات آن اشاره می‌شود. گروه هاوالی آئودا<sup>۱</sup>، جنبش اصلاحی شیعی و کمیته دفاع از حقوق مشروع که در جریان جنگ خلیج فارس و بعد از آن ظهور نموده‌اند، گروه‌های هستند که به صورت گسترده‌ای از تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی برای ارسال پیام‌هایشان استفاده نموده و در بسط گفتمان مقاومت در عربستان نقش اساسی را ایفاء نموده‌اند. این گروه‌ها در مواقع زیادی توانسته‌اند با استفاده از تکنولوژی اطلاعاتی دولت عربستان را در شرایط خاص قرار داده و به چالش بکشند.<sup>۲</sup>

برای درک وضعیت ایجاد شده در عربستان سعودی لازم است به شرایط حاکم بر این کشور اشاره شود. درک شرایط حاکم و گفتمان مسلط، ما را در درک شرایط و قابلیت‌های ایجاد شده در فضای سایبر یاری خواهد داد. در عربستان سعودی گفتمان حاکم از طریق علمای دینی و خاندان سعودی و از طریق رادیو و تلویزیون این کشور فراهم شده است. در این کشور گفتمان‌های قبیله‌ای و مذهبی گفتمان اصلی است که دولت بر اساس آن مشروعیت خود را برقرار نموده است. به عبارتی دیگر، گفتمان علمای دینی وابسته به دولت و قبایل سنتی عامل اساسی مشروعیت دولت در این کشور بوده است که توسط واسطه‌هایی به نام رادیو و تلویزیون و روزنامه‌های دولتی بسط یافته‌اند.

در این کشور، نهادهای زیادی به‌عنوان نهادهای تنظیم اطلاعات وجود دارند و به علاوه این کشور از طریق کنترل رادیو تلویزیون و محدودیت مطبوعاتی، هژمونی خود را حفظ نموده است. سیستم کنترل اطلاعات این کشور به‌منظور ایجاد مانعی برای مطبوعات آزاد داخلی و خارجی و به منظور برقراری و حفظ هژمونی و ایدئولوژی مسلط بوده است. نهادهای تنظیم اطلاعات در

۱- Hawali Auda

۲- Circumvented

این کشور شامل شورای عالی اطلاعات، مدیریت عالی انتشارات، دپارتمان سانسور مطبوعات داخلی هستند. مطبوعات خارجی نیز از طریق وزارت امنیت و کشور کنترل می‌شوند.

ورود تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی چالش عظیمی در توانایی برقراری هژمونی دولت در کنترل مخالفین الکترونیک<sup>۱</sup> فراهم آورده است. در سال‌های اخیر دولت عربستان درگیر طرح‌های مبهمی از جمله ایجاد زیر ساخت اطلاعاتی بوده است که توسط دولت، تجار و اپوزیسیون مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. برای نمونه، می‌توان به امضاء قرار داد توسعه سیستم تلفن دیجیتالی، توسعه تلفن‌های موبایل و شبکه‌های موجود ارتباطی و ماهواره این کشور با ایالات متحده آمریکا اشاره نمود. با توجه به شرایط و تغییرات فن‌آورانه ایجاد شده، عربستانی‌ها قادر شده‌اند از طریق اینترنت و تلفن با هر نقطه‌ای ارتباط برقرار نمایند. شهرک علمی و فن‌آور پادشاهی عبدالعزیز و دانشگاه‌های دیگر مرکز فعالیت‌های متعدد بوده و در حالی که این سیستم، آشکارا برای استفاده دولتی توسعه داده شده است، اما اپوزیسیون عربستان توانسته است رایانه‌های خود را به گروه‌های طرفدار خود متصل نماید و فضای رسانه‌ای را برای گفتمان اپوزیسیونی باز نماید.

در عربستان سعودی، تکنولوژی‌های جدید نشان داده‌است که وسیله مهمی برای جلب و بسیج طرفداران سیاسی بوده است. برای نمونه پس از انقلاب اسلامی ایران، کاست‌های ویدیویی و نوارهای ضبط صوتی امام خمینی(ره) وارد عربستان سعودی می‌شد و در مناطق شیعی عربستان سعودی منتشر و منبعی برای الهام شیعیان این منطقه بوده است. این نوارهای کاست به عنوان وسایل ارتباطی از نیمه دهه ۱۹۸۰ در عربستان عمومی شدند.

در سال‌های اخیر مباحث جدید حول محور مدرنیسم و سنت، باعث رویاروی جریان‌های مدرنیسم و اسلام‌گرای در این کشور گردیده است. در این دوره سعید ال‌گامیدی<sup>۲</sup> نوارهای کاست زیادی را بین گروه‌ها و طرفداران خود توزیع نمود. گروه‌های مدرنیستی نیز نوارهای زیاد را در نقد سنت‌های قبیل‌های در عربستان و تشویق جامعه به سنت‌های بین‌المللی آغاز نمودند. ویدئو کاست‌های پخش شده توسط دو گروه مدرنیستی و سنت‌گرایان در این کشور، گفتمان مسلط فرهنگی اسلام‌گرایی و مدرنیسم را تحکیم نمود.

۱- Electronic Dissent

۲- Said al Ghamidi

از سوی دیگر جنگ خلیج فارس باعث بحث‌های جدیدی در این کشور شد. ورود سربازان خارجی به عربستان سعودی، باعث ایجاد بحث‌های متعددی در ارتباط با خارجی‌ها گردید. صفر ال حوالی و علی آئودا دو واعظ مذهبی بحث‌های انتقادی را در ارتباط با حضور خارجی‌ها ارائه نمودند. به دلیل تسلط دولت بر رسانه‌های حکومتی، آنها نیز از کاست برای ارسال پیام‌هایشان استفاده نمودند. آنها از این طریق به صورت موثرتری توانستند مردم را بر علیه دخالت‌های خارجی و رژیم عربستان سعودی بسیج نمایند. در این دوره، ماشین کپی به عنوان وسیله مهم تبلیغ این گروه شد. آنها همچنین از پرینت استفاده و پیام‌هایشان را از طریق فکس به هوادارانشان ارسال نمودند.

پاسخ دولت به جریان ایجاد شده شدید بود و هر دو واعظ از موعظه در مساجد ممنوع گردیدند و همچنین کاست‌های آنها از فروشگاه‌ها جمع‌آوری و نیز فروشندگان از فروش کاست‌های آنها منع شدند. اما این ممنوعیت‌ها تاثیر آنچنانی در توزیع کاستی آراء دو واعظ نداشت. در واکنش به اقدامات دولت، شبکه‌های زیر زمینی شامل اخوان المسلمین، حزب التحریر و شبکه سلفی برای تایپ و توزیع این کاست‌ها ایجاد شدند. با دستگیری سلمان ال آئودا، مبارزات پایان نیافت و در زندان نیز نوارهای موعظه ایشان به بیرون از زندان قاچاق گردید.

با ظهور رهبران کاریزماتیک دیگر در عربستان، کمیته دفاع از حقوق مشروع ایجاد شد. این گروه به جای نوارهای کاست از اینترنت و وب لاگ برای طرح دیدگاه‌های خود استفاده نموده است. گروه دیگری که برای مبارزات خود از تکنولوژی اینترنت استفاده نموده است، جنبش اصلاحی شیعی است. این جنبش نیز فعالیت‌های خود را از طریق رسانه‌های چاپی آغاز نمود و در خارج از عربستان این گروه از ماشین فکس برای ارسال مقالات به داخل عربستان استفاده نموده است. این مقالات عموماً دارای محتوای انتقادی در باب حکومت پادشاهی سعودی بوده‌اند. در سال ۱۹۹۲ این گروه به عنوان عرضه کننده مهم اخبار درباره عربستان از آمریکا و انگلیس تبدیل شد. آنها برای ارسال و جمع‌آوری پیام‌های خود از پرینت، ماشین کپی، فکس‌های کامپیوتری استفاده نمودند.

در عربستان سعودی ورود و استفاده از تکنولوژی‌های جدید تاثیر زیادی را ایجاد نموده است که مهمترین آن این است که رسانه‌های جدید بر تصویر موجود درباره پادشاهی سعودی‌ها آسیب زده است.

در کل در عربستان سعودی بر مبنای نوع تکنولوژی‌های استفاده شده از طرف مخالفین و فعالان سیاسی از دو دوره می‌توان نام برد: اول دوره استفاده از کاست‌های ویدئویی و دوم که دوره مبارزات سایبری است. بدون شک کمیته دفاع از حقوق مشروع و جنبش اصلاحی شیعه به‌عنوان مهمترین جریانات سیاسی در عربستان بوده‌اند که از تکنولوژی‌های جدید برای بیان دیدگاه‌های خود، بسیج هواداران و زیر سوال بردن هژمونی حاکم استفاده نموده‌اند. در عربستان در سال‌های اخیر برای مدتی به نظر می‌رسید همه چیز برای شکل‌گیری جنبش‌های سیاسی آماده بود. از یک سو، موعظه‌کنندگان کارزماتیک و از سوی دیگر هزاران پیروان مشتاق مذهبی.

آنچه لازم بود ایجاد ابزاری برای سازماندهی و کانالیزه کردن انرژی بود که بتواند ضد هژمونی موثری در مقابل دولت ایجاد نماید. در این دوره کمیته اولیه‌ای توسط محسن ال‌اواجی، خالد ال‌حمیده، عبدالعزیز ال‌قاسم، عبدالوهاب ال‌طراری و سعد الفقیه ایجاد و با پادشاهی عربستان مکاتبه و خواهان رفع فساد اداری و تدوین قوانین بشر دوستانه شدند. در این دوره فکس و دستگاه‌های کپی نقش مهمی را در انتشار اطلاعات این گروه‌ها و ایده‌های آن‌ها فراهم آورد. اقدامات دولت باعث ایجاد کمیته دفاع مذکور در ۳ می ۱۹۹۳ گردید. گروه مذکور دریافت که می‌تواند از رسانه‌های جدید چون پرینت، اینترنت و فکس برای مبارزات خود علیه دولت و نیز جذب طرفداران استفاده نماید. پس از آزادی سخنگوی این کمیته محمد ال‌مساری، مرکز فعالیت این کمیته به لندن منتقل گردید. این کمیته از لندن اقدام به ارسال اطلاعات علیه دولت ریاض نمود. ارسال اطلاعات از طریق پست الکترونیکی، صفحات وب لاگ و اینترنت در مبارزه آن‌ها و نیز جمع‌آوری اطلاعات از رژیم عربستان موثر بوده است. هدف صفحات وب لاگ ایجاد شده، دادن اطلاعاتی از عربستان به علاقمندان امور عربستان، سیاست‌گذاران و دانشگاهیان و دانشجویان عربستان در غرب بود. صفحه‌های وب انتشار شده به زبان عربی و انگلیس شامل مونیاتور، ماهنامه «اش شرعیه»<sup>۱</sup>، و مجلات هفتگی بودند.

جنبش اصلاحات شیعی نیز از گروه‌های دیگر فعال سیاسی در عربستان بوده که از اینترنت و وسایل جدید برای پیشبرد برنامه‌های مبارزاتی خود استفاده نموده‌اند. این جنبش مهمترین و پیچیده‌ترین گروه سیاسی در عربستان بوده و ایجاد آن نتیجه انشعاب ایجاد شده در کمیته

۱-Ash-Shariyyah

دفاع بوده است. این گروه بر خلاف کمیته دفاع، متمرکز به عربستان سعودی بوده است. صفحات وب لاگ ایجاد شده از طریق این جنبش، بسیار پیچیده است و دارای اطلاعات اولیه درباره اهداف مبارزاتی شان است. همچنین وب لاگ آن‌ها مقالات تحلیلی و انتقادی زیادی را در زمینه فساد و بحران‌های اقتصادی در عربستان و تاریخ مخالفین ارائه نموده است. وب لاگ الصلاح مقالات زیادی را درباره پادشاهی عربستان، گزارشات رسانه‌های خارجی درباره این کشور و مقالات تحلیلی درباره شرایط جدید این کشور ارائه می‌نماید. الصلاح رنگ و بوی مذهبی داشته و برای اهالی عربستان منتشر می‌گردد. این وب لاگ توانست اطلاعاتی را در اختیار گروه‌ها و طرفداران خود قرار دهد و منبع مهمی برای چالش گفتمان حاکم در عربستان سعودی فراهم آورد (Fandy, ۱۹۹۹: ۱۲۴-۱۴۷).

در سوریه نیز اینترنت به شدت کنترل می‌گردد و ده‌ها سایت و به ویژه سایت‌های که به مساله حقوق بشر و کردها پرداخته‌اند مسدود شده‌اند. به علاوه در این کشور در چند سال اخیر عده‌ای از وب لاگ نویسان به دلیل انتقاد آن لاین از حکومت دستگیر شده‌اند.

در میان کشورهای عربی، تونس در دوره حکومت زین العابدین بن علی شدیدترین سیاست سرکوبگرانه را در زمینه سایت‌های اینترنتی و وب لاگ‌ها به نمایش گذارد. در این کشور، همه کافی نت‌ها دولتی و تحت کنترل پلیس بودند. به علاوه خود اینترنت نیز سانسور می‌گردید و همچنین نیروهای امنیتی به صورت مداوم، وب لاگ نویسان و سردبیران سایت‌های اپوزیسیون را محدود می‌ساختند (Moheb, ۲۰۰۷: ۳۸-۱۷۲).

مهمترین آزمون ظرفیت‌های اینترنت در جنبش‌های اجتماعی به تحولات اخیر در مصر، تونس، یمن و بحرین بر می‌گردد. در این کشورها و جنبش‌های اعتراضی آغاز شده در این کشورها نشان داد که جریان‌های خارج از قدرت چگونه از اینترنت برای پیشبرد برنامه‌های خود و نیز کمپین‌های اجتماعی و بین‌المللی استفاده نمودند.

در بیشتر این کشورها و به خصوص مصر و تونس چالش‌های رویاروی این کشورها ناشی از ۳ چالش اقتصادی، چالش آزادی و چالش‌های هویتی بوده است (جدول زیر وضعیت برخی از این کشورها در سه سطح دموکراسی، فساد و آزادی مطبوعات و شاخص توسعه انسانی نشان می‌دهد) (Behr & Aaltola, ۲۰۱۱: ۵).

جدول ۲- وضعیت سطوح دموکراسی، فساد، آزادی مطبوعات و شاخص توسعه انسانی

	رتبه دموکراسی سدن	رتبه فساد	رتبه آزادی مطبوعات	رتبه توسعه انسانی
مراکش	116	82	66	113
اردن	117	50	63	82
بحرین	122	43	71	39
الجزایر	125	92	64	84
قطر	138	115	60	101
مونتس	144	64	85	81
عمان	146	144	80	133
سوریه	152	150	83	111
لیبی	158	130	94	53
عربستان	160	83	83	55

در مصر با آغاز جنبش جدید اجتماعی اعتراضی علیه حاکمیت چند دهه، ابتدایی‌ترین تاکید حکومت مبارک ساکت سازی رسانه‌های آزاد و بلوکه‌سازی دسترسی ها به بعضی از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بوده است. در این راستا با توجه به هماهنگی انجام شده توسط دولت مصر خدمات اینترنتی ارائه شده توسط لینک ایچپ<sup>۱</sup> ودا فونه<sup>۲</sup> رویا، رویا تلکوم، اتصالات مصر محدود گردیدند. این اقدامات در راستای کاهش اطلاعات جهانی از اوضاع مصر و نیز ممانعت از سازماندهی جنبش‌های اجتماعی در این کشور بود.

به رغم تمامی تلاش‌های دولت مصر تنها ۹۳ درصد دسترسی‌های اینترنتی مصر در این دوره قطع شد. این در حالی است که مطابق گزارش شرکت رنه سیز<sup>۳</sup> که فعالیت‌های جهانی اینترنت را مورد مونی‌تورینگ قرار می‌دهد، گروه نور در این دوره دارای ارتباطات اینترنتی با جهان بوده است (Beam, ۲۰۱۱) همچنین واکنش معترضین استفاده از (Proxy-Service.de) برای دسترسی به سایت‌های مسدود شده بود. همچنین معترضین با استفاده از قابلیت‌های YouTube و Flickr تصاویر اعتراضات را در اختیار گروه‌های اجتماعی در سراسر دنیا نمودند.

۱- Link Egypt

۲- Vada Fone

۳- Renesys



بدین ترتیب پلت فورم رسانه‌های اجتماعی صدا محور<sup>۱</sup> ایجاد شده توسط توپتر و گوگل و سی ناو<sup>۲</sup> سه شماره تلفن را برای ارسال پیام‌ها در مورد مسائل اتفاق افتاده را برای معترضین فراهم نمودند. این پیام‌ها قابل استماع توسط افراد در سراسر جهان هستند. بدین ترتیب بلوگرها و ژورنالیست‌های مصری توانستند اطلاعات را در ارتباط با تحولات مصر در اختیار گروه‌های اجتماعی زیادی قرار دهند (Capper, ۲۰۱۱).

در تونس و حاکمیت چندین ساله بن علی بر کشور تونس، این کشور از سرکوب گرترین حکومت‌های دنیا در زمینه سرکوب آزادی بیان بوده است. در این کشور، ژورنالیست‌ها و روزنامه‌نگران و فعالان اینترنتی و بلوگرها زیادی مورد حمله فیزیکی قرار گرفته و سرکوب و زندانی شده‌اند. در این کشور همه کلپ‌های اینترنتی و تحت نظارت و کنترل حکومتی بوده‌اند و مقامات این کشور به صورت گسترده‌ای سیاست‌های فیلترینگ سایت‌ها را اجرایی نموده‌اند. گزارشات نشان می‌دهد که وضعیت سانسور در حکومت بن علی و دوره زمام داری دیکتاتور منشانه او بالاترین وضعیت را داشته است (Arief, ۲۰۱۱).

در تونس و با آغاز جنبش اعتراضی علیه دیکتاتوری چند ساله بن علی، اینترنت مورد توجه فعالان اجتماعی در این کشور قرار گرفت. در این دوره واکنش دولتی مسدود سازی سایت‌های انتقادی در این کشور بود. در تونس اعتراضات خشونت آمیز منجر به آغاز جنگ سایبری گسترده ای بین مقامات حکومتی و هکرهای بی نام در این کشور گردید. از اقدامات اساسی در این دوره توسط فعالان سیاسی، هک سایت‌های حکومتی توسط معترضین فعال بوده است (Wanjiku, ۲۰۱۱). در این دوره گروهی از سارقین اینترنتی به نام انانمس<sup>۳</sup> در تونس اقدام به هک سایت‌های حکومتی تونس نمود و در نتیجه تمامی سایت‌های حکومتی از کارانداخته شدند. واکنش دولت، دستگیری سردبیر یکی از سایت‌های اینترنتی و چند روزنامه نگار بود. بعدا نیز جمعی از فعالین اینترنتی در این زمینه مفقود گردیدند (MISIR'A, ۲۰۱۱: ۲).

در هر دو کشور تونس و مصر آغاز جنبش‌های اجتماعی با استفاده سازمان یافته جوانان طبقات متوسط از رسانه‌های دسته جمعی اجتماعی برای هماهنگ سازی حرکت و انتقال پیام اعتراضی آغاز گردید (Behr & Aaltola, ۲۰۱۱: ۵).

۱- Voice-Based Social Media Platform

۲- Say Now

۳- Anonymous

## نتیجه‌گیری

همانگونه که نشان داده شد، اینترنت و فضای سایبر قابلیت‌های گسترده‌ای را در اختیار فعالان سیاسی و اجتماعی در بیشتر کشورها و به‌ویژه فعالان اجتماعی در کشورهای عربی منطقه خاورمیانه قرار داده است. این قابلیت در وهله اول فرصت‌های ساختاری گسترده‌ای را در اختیار رهبران و فعالان سیاسی برای سازماندهی حرکت‌ها در کشورها عربی که از دیکتاتوری طولانی در این کشورها رنج می‌برند فراهم آورده است. مهمترین جنبه از مساله این است که ارتباطات سایبرنتیکی این قابلیت را فراهم نموده است که شعاع ارتباط رهبران جنبش‌ها گسترش یافته و از مرزهای ملی کشورها عبور و به حرکت‌های اجتماعی ملی جنبه بین‌المللی داده است. از سوی دیگر، ساختارهای فرصت ایجاد شده در فضای سایبر موجب ایجاد ساختارهای ملموس شده است که این ساختارهای ملموس به منظور انتقال هنجارهای بدیل جدید و عموماً مخالف دولت‌ها بکار گرفته شده‌اند. به عبارتی اینترنت وسیله‌ای برای طرح گفتمان‌های ضد دولتی در این کشورها شده است. این موضوع از یک طرف قابلیت دولت‌ها را در زمینه‌های متعددی برای جامعه‌پذیری گسترده و ایجاد تبعیت از بین برده است. و از سوی دیگر فرصت گسترده‌ای را برای رهبران برای بیان اندیشه‌های متفاوت‌تر از ایدئولوژی دولت‌ها ممکن ساخته است. از همه مهمتر محدودیت‌های گسترده‌ای ایجاد شده برای دولت‌ها در اعمال برنامه‌هایشان است. مهمترین جنبه مساله این است که هزینه سرکوب را برای این دسته از کشورها بالا برده است. به هر صورت با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده پیامد استفاده از اینترنت در این کشورها به صورت زیر بوده است:

- اینترنت وسیله‌ای برای طرح گفتمان‌های ضد حکومتی و هژمونیک گردید.
- اینترنت ابزار نوینی برای ارائه بدیل‌های جدید فرهنگی و ایدئولوژیک شده است.
- از طریق اینترنت، رهبران جنبش‌ها توانستند کمپین امضا گسترده‌ای را به راه‌اندازند.
- از طریق قابلیت‌های فضای سایبر رهبران جنبش شبکه‌های ملی و بین‌المللی به هم پیوند داده شده‌اند.
- از طریق شبکه‌هایی مجازی اینترنتی امکان بسیج نیروها در جنبش‌ها ممکن گردید.
- اتاق‌های اینترنتی، محلی برای مذاکره در باب مسائل عمومی درگیر جهان عرب و کشورها خاورمیانه گردید.

- به واسطه بهره‌مندی گسترده از اینترنت، امکان ایجاد گفتمان جدید عمومی برای کارگزاران فراهم شد.
- اینترنت و انتشار اخبار مربوط به کشورهای عربی، توجه جهانی افکار عمومی دنیا به این منطقه را فراهم و این موضوع هزینه سرکوب مردم مسلمان در این کشورها را برای نظام‌های سیاسی حاکم بالا برد.
- اینترنت محدودیت‌های گسترده را برای دولت‌ها در اعمال کنترل‌های سیاسی و اجتماعی و به‌ویژه فرهنگی بر شهروندان مسلمان خاورمیانه فراهم آورد.
- به واسطه بهره‌مندی از قابلیت‌های ساختاری ایجاد شده در این فضا، فعالین جنبش‌ها توانسته‌اند در فضای عمومی مجازی ایجاد شده در مورد مهمترین مسائل رویاروی سیستم به‌صورت چند جانبه گفتگو نمایند.

### فهرست منابع

#### الف) منابع فارسی

- دلپورتا، دوناتلا، دیانی، ماریو (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی، ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: انتشارات کویر.
- فرونزو، جیمز (۱۳۸۱). جنبش‌های اجتماعی و انقلاب‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: نشر نسیم صبا.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری. تهران: انتشارات نشر نی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱). در آمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

#### ب) منابع انگلیسی

- Arieff, Alexis (۲۰۱۱). Political Transition in Tunisia, Congressional Research Service, [www.crs.gov](http://www.fas.org/sgp/crs/row), available at: <http://www.fas.org/sgp/crs/row>.
- Bayat, Asef (۲۰۰۲). The “Street” and Politics of Dissent in “the Arab World”, **Middle East report**. No. ۲۲۶.
- Beam, Christopher (۲۰۱۱). Block like an Egyptian, How Did the Egyptian Government Turn off the Internet? **available at:** <http://www.slate.com/id/۲۲۸۳۰۰۰/>
- Behr, Timo & Aaltola, Mika (۲۰۱۱). The Arab Uprising: Causes, Prospects and Implification, available at: [www.fiaa.fi](http://www.fiaa.fi).

- Capper, Eric (۲۰۱۱). **The Internet's Role in Egypt's Protests**, available at: available at: <http://www.grovo.com/blog/۲۰۱۱/۰۲/the-internets-role-in-egypts-protests/>
- Fandy, Mamoun (۱۹۹۹). "Saudi Opposition between Globalization and Localization", **Comparative Studies in Society and History**, Vol. ۴۱. No. ۱, pp: ۱۲۴-۱۴۷.
- Granovetter, Mark (۱۹۹۰). **Structural Analysis in the Social Science Network**, Cambridge University Press.
- Misira, Tunus'tan (۲۰۱۱). **Arap Sokađi, Ordular Ve Diktatörler**, T.C. Bahçeşehir Üniversitesi Uluslararası Güvenlik Ve Stratejik Araştırmalar Merkezi, P۲.
- Moheb, Zaki (۲۰۰۷). "Civil Society and Democratization in the Arab World: Annual report", **Ibn khaldun Center for Development Studies**: ۱۵-۳۲.
- Snow, David A. Soule, Sarah A. & Kriesi, Hanspeter (۲۰۰۴). **The Blackwell Companion to Social Movements**. Publishing by Blackwell.
- The Cyber Activists Who Helped Topple a Dictator, available at: <http://www.newsweek.com/۲۰۱۱/۰۱/۱۰/tunisia-protests-the-facebook-revolution.html>
- Wanjiku, Rebecca (۲۰۱۱). Tunisian protests move to cyberspace, <http://news.idg.no/cw/art.cfm?id=۶۱D۹F۱۸A-۱A۶۴-۶A۷۱-CE۰DD۲C۰BB۲F۰۰E۰>
- Yacoubian, Mona (۲۰۰۵). Promotion Middle East Democracy II, Arab Initiative, United State Institute of Peace, [www.usip.org](http://www.usip.org), P: ۳.